

«عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست»

در هوای سرد و برفی زمستان، کودکی با پاهای برهنه و لباس‌های مندرس روی برف ایستاده بود و در حالی که از سرما می‌لرزید، صورتش را به شیشه چسبانیده بود و به ویتربین فروشگاه نگاه می‌کرد. او با نگاه و چشمان حسرت‌بارش، به خدا التماس می‌کرد. خانمی که قصد ورود به فروشگاه را داشت، کمی مکث کرد و به پسرک که محو تماشا بود، نگاهی انداخت و داخل فروشگاه شد. چند دقیقه بعد، پسرک را به داخل فروشگاه فراخواند و در حالی که یک جفت کفش و یک دست لباس نو در دستانش بود، آنها را به پسرک داد تا بپوشد و گفت: پسرم! مواظب خودت باش. کودک گفت ببخشید خانم! شما خدا هستید! زن لبخند زد و پاسخ داد: نه، من فقط یکی از بنده‌های خدا هستم. کودک گفت: می‌دانستم با او نسبتی دارید!

#### بنویسید

زندگی نامه‌ها به ویژه زندگی نامه‌های خود نوشت، سفرنامه‌ها و کتاب‌های خاطرات از منابعی هستند که تصویر انسان‌ها را از معنای زندگی نشان می‌دهند. یک زندگی نامه کوتاه از خودتان بنویسید و در مورد انگیزه و معنای زندگی خود سخن بگویید.

#### ببینیم و بدانیم

مستند «مشتی اسماعیل» روایت زندگی پیرمردی نابینا اما زنده دل است که زندگی را زیبا می‌بیند. او معرفتی دارد که بیننده را مبهوت و متعجب می‌کند. شوق او به زندگی، تماشایی است. این مستند در جشنواره‌های معتبر داخلی و خارجی مانند ویز یون دوریل سوئیس، مذهب ایتالیا، پالم اسپرینگ امریکا، فیپای فرانسه نمایش داده شده و مورد تحسین قرار گرفته است.

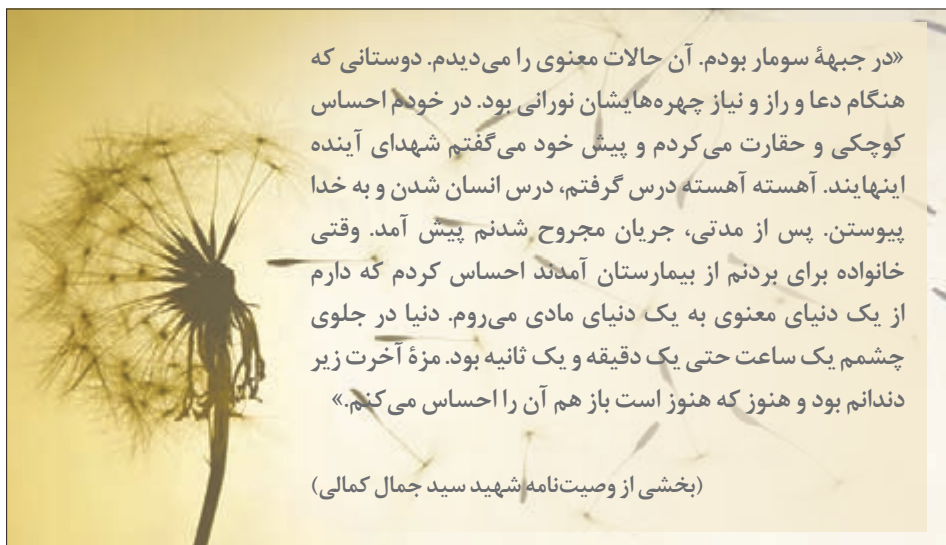
### پیچیدگی پدیده‌های انسانی و اجتماعی

بررسی و مطالعه پدیده‌های انسانی و اجتماعی، بدون توجه به عمق آنها، به نتیجه‌گیری‌های غلط و اشتباه منجر می‌شود.

سه پدیده زیر را در نظر بگیرید:

- در طول هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صدها هزار نفر از رزمندگان ایرانی جان خود را از دست دادند. بسیاری از این شهیدان، در سنین جوانی و نوجوانی، در شیرین‌ترین دوران عمر خود، به شهادت رسیدند. روایت‌ها و مستندات به‌جا مانده از آن دوران، از آرزو و رقابت

تنگاتنگ رزمندگان برای شهادت حکایت می کند. بسیاری از بازماندگان این دوران، زنده ماندن خود در جنگ و جاماندن از قافلهٔ همزمان شهیدشان را خسروانی بزرگ و مهم ترین حسرت زندگیشان می دانند.



- در همهٔ جنگ ها همیشه سربازانی بوده اند که با آگاهی کامل از احتمال کشته شدن پا به میدان جنگ گذاشته اند؛ این سربازان قطعاً انگیزه های مهمی مانند دفاع از وطن و پیروزی بر دشمن داشته اند. اما شاید نتوان به آسانی سربازانی را یافت که جان باختن در راهی که برگزیده اند را بخشی از کمال خود بدانند و آن را آرزو کنند.
- خودکشی یک کنش غیرعادی است که از گرایش به مردن به جای زنده ماندن حکایت دارد. گرایشی که برخلاف طبیعت و سرشت انسان است.



- با یاد خدا و توکل به او و با گذشت زمان، می توان بر دردی که در حال حاضر طاقت فرسا و دائمی به نظر می رسد، غلبه کرد.
- در جنگ جهانی دوم، هزاران خلبان ژاپنی برای عملیات کامیگازه داوطلب شدند. آنها در این عملیات، هواپیماهایشان را به ناوهای دشمن می کوبیدند.

شباهت و تفاوت این پدیده‌ها چیست؟ شباهت «شهادت‌طلبی»، «فدا کردن جان برای وطن» و «خودکشی»، دست شستن از جان و زندگی در دنیا و استقبال از مرگ است. تفاوت آنها در معنای متفاوتشان است و دقیقاً همین معانی متفاوت، هویت آنها را تعیین می‌کند و از آنها سه پدیدهٔ مختلف می‌سازد.

«شوق به حیات جاودانه، عشق به دیدار محبوب، دفاع از دین، مبارزه با ظلم، اقامهٔ حق، مبارزه با باطل و...»، «دفاع از غرور ملی، میهن‌دوستی، غلبه بر دشمن، کشورگشایی، هیجان و...»، «رنج‌گریزی، احساس پوچی، فشارهای اقتصادی، بحران‌های اجتماعی، بحران معنویت و...» برخی از این معانی هستند. می‌بینید که درون هر کدام از این پدیده‌ها نیز تفاوت و تنوع معنایی وجود دارد.

پس از انقلاب صنعتی، مسئلهٔ خودکشی به شکل بی‌سابقه‌ای در جوامع صنعتی رواج پیدا کرد؛ به گونه‌ای که جامعه‌شناسان، روان‌پزشکان، اقتصاددانان، حقوق‌دانان و حتی فیلسوفان را به مطالعهٔ این پدیده و چاره‌اندیشی برای آن واداشت. پاسخ‌های صاحب‌نظران علوم مختلف به چرایی وقوع خودکشی با یکدیگر متفاوت است، علاوه بر این اندیشمندان یک حوزه نیز در این باره نظرات متفاوت و حتی متعارضی ابراز کرده‌اند.

برای مثال جامعه‌شناسانی که در تحلیل خودکشی به عوامل اقتصادی مانند فقر، کاهش رفاه عمومی و... توجه کرده‌اند، از سوی برخی دیگر از جامعه‌شناسان با این انتقاد روبرو هستند که نرخ خودکشی در بعضی از کشورها با سطح رفاه عمومی بالا، بیشتر از برخی جوامع با سطح رفاه و شرایط اقتصادی پایین‌تر است.

وجود نظریات متفاوت، نشانهٔ پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی و البته دشواری فهم آنهاست. برخی رویکردها برای دستیابی به پاسخ‌های ساده و کاملاً قابل پیش‌بینی دربارهٔ چرایی وقوع پدیده‌های اجتماعی، پیچیدگی و عمق این پدیده‌ها را نادیده می‌گیرند و از پدیده‌های اجتماعی و انسانی هویت‌زدایی می‌کنند.

## بخوانیم و بدانیم

آیا تأکید بر پیچیدگی کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی و تنوع معانی آنها به این معناست که جوامع انسانی هیچ شباهت و اشتراکی ندارند؟  
بخشی از پیچیدگی کنش‌های انسانی، به سبب وابستگی این کنش‌ها به ویژگی‌های فردی، مانند توانایی‌های ذهنی، عاطفی، جسمانی و همچنین ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی مانند تنوع فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و موقعیت اجتماعی است. اما انسان‌ها همچنان که دارای

تفاوت‌های فردی و اجتماعی بسیاری هستند، مشابهت‌های فراوانی نیز دارند؛ مثلاً همهٔ انسان‌ها دارای نیازهای طبیعی و غریزی مشابهی هستند؛ از این رو برای تأمین غذا و سرپناه تلاش می‌کنند، تشکیل خانواده می‌دهند و... همچنین ویژگی‌های متعالی مانند میل به جاودانگی، کمال‌جویی، سعادت‌طلبی، گرایش به زیبایی، تنفر از ظلم، علاقه به کشف حقیقت مورد توجه همه انسان‌هاست.

لازمهٔ شناخت پدیده‌های اجتماعی، شناخت صحیح و توأمان «تفاوت‌های فردی - اجتماعی» و «وجه مشترک» انسان‌هاست.



■ عروسی روستاییان اثر پیتروگل



■ مراسم عروسی در هندوستان



■ مراسم عروسی مندائیان در اهواز



یک داستان شش کلمه‌ای که برندهٔ جایزهٔ بهترین داستان خیلی کوتاه جهان شده است:  
هیچ حواسم نبود...  
دو فنجان ریختم ...

(آلیستر دانیل، اندوه)

## گفت‌وگو کنید

وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین منابع برای تفسیر اعمال، افکار و شخصیت شهدای ایرانی است. در کلاس به گروه‌های چند نفره تقسیم شوید و در هر گروه، وصیت‌نامهٔ یکی از شهدای دفاع مقدس را مرور کنید و دربارهٔ انگیزه‌های رزمندگان ایرانی از شهادت‌طلبی با دوستان خود گفت‌وگو کنید.

«خداوندا، ای عزیز! من سال‌هاست از کاروانی به‌جا مانده‌ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آنها

را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.

... عزیزم! من از بی‌قراری و رسوایی جاماندگی، سر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم... مرا به خودت متصل کن... مرا به قافله‌ای که به سویت آمدند متصل کن. معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن چنان که شایسته تو باشم»

«بخشی از وصیت‌نامه سردار پرافتخار اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی»

## جامعه‌شناسی تفسیری

### تبیین در حاشیه تفسیر

در قرن نوزدهم میلادی برخی از متفکران اجتماعی آلمانی از جمله ویلهلم دیلتای و ماکس وبر، مدعی شدند که هرچند جهان اجتماعی همانند جهان طبیعی، نظم و قواعد خاصی دارد اما انسان‌ها مانند موجودات طبیعی نیستند و پدیده‌های اجتماعی نیز با پدیده‌های طبیعی تفاوت دارد. ماکس وبر معتقد بود کنش اجتماعی، معنادار است و پدیده‌های معنادار را نمی‌توان همانند پدیده‌های طبیعی، از طریق حواس مطالعه کرد، بلکه باید معنای آنها را فهمید. وبر با اینکه فهمیدن را برای درک معنای پدیده‌های اجتماعی ضروری می‌دانست، اما از آنجا که هنوز علم را به علم تجربی محدود می‌دانست، معتقد بود آنچه جامعه‌شناسان از مطالعه پدیده‌ها می‌فهمند باید با روش تجربی اثبات شود وگرنه ارزش علمی ندارد. از این رو تفهم را روش مستقلی برای علوم انسانی نمی‌دانست بلکه آن را مقدمه و پیش‌نیازی برای روش علمی که همان روش تجربی بود، می‌انگاشت. به همین دلیل، وبر جامعه‌شناسی خود را تفهیمی - تبیینی معرفی می‌کرد. از نظر او جامعه‌شناس، فقط می‌تواند آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی را توصیف کند؛ اما نمی‌تواند درباره آرمان‌ها و ارزش‌ها که پدیده‌های نامحسوس و غیرتجربی‌اند، داوری علمی کند. مثلاً جامعه‌شناس می‌تواند برای مدتی با اعضای یک گروه سیاسی زندگی کند و از این راه، عقاید و ارزش‌های آنها را بفهمد و توصیف کند، اما نمی‌تواند درباره درست یا غلط بودن این عقاید و ارزش‌ها داوری کند و به نقد یا اصلاح آنها بپردازد؛ زیرا از نظر وبر با این کار جامعه‌شناس از دایره علم خارج می‌شود یا با نام علم، کار غیرعلمی می‌کند.